

عنوان: امکان سنجی به کارگیری هوش مصنوعی در ارزیابی ادله داورى در قواعد فراملى

محمد امين اسمعيل پور

دکترای حقوق خصوصی، قاضی دادگستری، تهران، ایران.

**قابل انتشار در دوره ۲۵، شماره ۶۷ (پاییز ۱۴۰۵) نشریه پژوهشهای حقوقی**

## چکیده

در فصل جدید از توسعه فناوری، ظهور مدل‌های مختلف از هوش مصنوعی، حوزه‌های متعددی از جمله داورى را تحت تاثیر قرار داده است. روش‌های سنتی یا برخط حل و فصل اختلافات تجاری، با توجه به گسترش معاملات الکترونیکی و حجم زیادی از اسناد، سرعت، دقت و کارایی ارزیابی ادله را کم رنگ می‌نماید. هدف از این تحقیق، پاسخ به این سوال است که در قواعد فراملى به کارگیری هوش مصنوعی در فرآیند داورى مبنا و توجیه قانونی دارد یا خیر. این تحقیق با رویکرد توصیفی-تحلیلی با تحلیل موضوع در نهایت نتیجه‌گیری می‌نماید که از جمله اهداف تاسیس کنوانسیون نیویورک، قواعد ایکسید، قانون نمونه داورى آنسیترال، قوانین داورى کشورهای انگلستان و آمریکا و دستورالعمل اخیر مرکز داورى سیلیکون ولی تسهیل اجرای آرای برون مرزی داورى بین کشورهای متعهد و ترویج تجارت بین‌المللی است. هم چنین، هدف از وضع سایر قوانین و مقررات مذکور، تنظیم روابط مدنی و تجاری اشخاص و تسهیل در امور می‌باشد، لذا چنانچه هوش مصنوعی در تحقق و بهبود این اهداف کمک نماید، مانعی برای عدم شناسایی هوش مصنوعی به عنوان روش نوین وجود ندارد. هوش مصنوعی به مثابه ابزار مستقل یا تسهیل‌گر می‌تواند در ارزیابی ادله نقش موثری را ایفا نماید. چالش‌های اخلاقی و حقوقی هوش مصنوعی، همانند عدم شفافیت، سوگیری، تبعیض و محدودیت دسترسی به داده، لزوم نظارت انسانی بر فرآیند مذکور را تشدید می‌نماید. هم چنین، وضع قوانین و مقررات در این حوزه با توجه به خلا قانون‌گذاری، از اهمیت بالایی برخوردار است.

**واژگان کلیدی:** ابزار مستقل، ارزیابی ادله، دستیار داور، هوش مصنوعی، قواعد فراملى.

## **Abstract**

In the new chapter of technology development, the emergence of different models of artificial intelligence has affected many fields, including arbitration. Traditional or online methods of resolving commercial disputes, due to the expansion of electronic transactions and a large volume of documents, reduce the speed, accuracy and efficiency of evidence evaluation. The purpose of this research is to answer the question whether the use of artificial intelligence in the arbitration process has a basis and legal justification in the transnational rules or not. This research, with a descriptive-analytical approach, finally concludes that among the goals of establishing the New York Convention, the Icsid Rules, the UNCITRAL Model Arbitration Law, the Arbitration laws of the United Kingdom and the United States, and the recent guidelines of the Silicon Valley Arbitration Center, facilitate the implementation of cross-border arbitration awards between countries. contracting and promoting international trade. Also, the purpose of establishing the other mentioned laws and regulations is to regulate the civil and commercial relations of individuals and facilitate affairs, so if artificial intelligence helps in realizing and improving these goals, there is no obstacle to not identifying artificial intelligence as a new method. Artificial intelligence as an independent tool or facilitator can play an effective role in the evaluation of evidence. The ethical and legal challenges of artificial intelligence, such as the lack of transparency, bias, discrimination and limited access to data, intensify the need for human supervision of the said process. Also, the establishment of laws and regulations in this field is of great importance due to the legislative gap.

**Keywords:** Independent Tool, Evaluation of Evidence, Arbitration Assistant, Artificial Intelligence, Transnational Rules.

## مقدمه

هوش مصنوعی قوی همانند هوش انسانی، قابلیت تفکر، آگاهی، یادگیری، درک عواطف و احساسات و خودآگاهی دارد. برخی در مقام تعریف از هوش مصنوعی قوی اظهار داشته اند که چنین سیستم هوشمندی توانایی تفکر و از هوش مشابهی هم چون انسان یا فراتر از آن برخوردار است. در توجیه آن چنین استدلال کرده اند که ذهن انسان از منطق ریاضی و محاسباتی تبعیت می کند و این منطق قابل پیاده سازی در ماشین های هوشمند می باشد.<sup>۱</sup>

جایگاه هوش مصنوعی در داوری می تواند به عنوان صلاحیت مساعدتی و حتی به صورت مستقل مورد بررسی قرار گیرد. هوش مصنوعی به عنوان داور صلاحیت فراتر از مساعدتی<sup>۲</sup> داشته و بدون دخالت هیچ انسانی<sup>۳</sup> اقدام به داوری می نماید.<sup>۴</sup> قانون نمونه داوری آنسیترال، در این زمینه مقرر می دارد که طرفین قواعد رسیدگی را تعیین خواهند کرد و در صورت عدم موافقت طرفین، داور رسیدگی را به نحوی که مناسب بداند اداره و مدیریت می نماید. در ماده ۲۵ قواعد داوری اتاق بازرگانی بین المللی<sup>۵</sup> مقرر گردیده است که داوران در راستای کشف حقایق از طرق مختلف می توانند استفاده نمایند. آیین رسیدگی مرتبط با ادله از جمله سنجش آن تابع قانون شکلی می باشد.<sup>۶</sup>

با توجه به اینکه ابزارهای مناسب جهت کشف حقیقت در قواعد مذکور به صورت مطلق بیان شده و بر طریقت آن تاکید دارد، لذا چنانچه هوش مصنوعی در تحقق اهداف مدنظر مقنن موثر و مفید واقع گردد، می تواند از مصادیق ابزارهای مناسب تلقی گردد. یکی از شیوه های رسیدن به کشف حقیقت، با توجه به ظهور فناوری پیشرفته، استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی در صحت سنجی ادله می باشد. هر چند در قوانین و مقررات فعلی صراحتاً استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی در فرایند داوری اشاره نگردیده، لکن از اطلاق مواد مندرج در قوانین و کنوانسیون های مختلف در این زمینه، می توان استفاده نمود. این امر نافی ضرورت تدوین قوانین و مقررات جامع در عرصه استفاده از هوش مصنوعی در فرایند داوری نمی باشد. تا تاریخ نوشتار حاضر، تنها مرجعی که اخیراً و به صراحت جواز استفاده از هوش مصنوعی در داوری به صورت ابزار تسهیل گر را پیش بینی کرده است، مرکز داوری و میانجی گری سیلیکون ولی<sup>۷</sup> می باشد.

در امور مربوط به قانون شکلی یا آیین رسیدگی، طرفین از آزادی و اختیارات لازم به شرط رعایت قواعد آمره بهره مند می باشند. در داوری، قواعد و اصول حاکم بر ادله، به سختی و انعطاف ناپذیری دادگاه ها نیست. در واقع، همین خصوصیت مبتنی بر اراده طرفین

<sup>1</sup> Yavuz, C, "Machine Bias: Artificial Intelligence and Discrimination"(Master Thesis, Lund University,2019).

<sup>2</sup> Instrumental method

<sup>3</sup> Principle method

<sup>4</sup> Sela, A, "Can Computer Be Fair? How Automated and Human- Powered Online Dispute Resolution Affect Procedural Justice in Mediation and Arbitration". Ohio State Journal ofn Dispute Resolution, 33, 1(2018), 91-148.

<sup>5</sup> International Chamber of Commerce

<sup>۶</sup> همایون مافی، شرحی بر قانون داوری تجاری بین المللی ایران (تهران: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۳۹۷).

<sup>7</sup> Silicon Valley Arbitration and Mediation Center, Guidelines on the Use of Artificial Intelligence in Arbitration, Draft Of 31 August 2023.

است که داوری را به شیوه مقبول حل اختلاف، تبدیل کرده است.<sup>۸</sup> نوشتار حاضر در صدد پاسخ به سوال امکان سنجی حقوقی استفاده از هوش مصنوعی در ارزیابی ادله داوری با نگاهی بر قواعد فراملی می باشد. به عبارت دیگر آیا به کارگیری این سیستم به صورت مستقل (داور) یا دستیار توجیه یا مبنای قانونی دارد یا خیر؟ با توجه به این که ارزیابی ادله توسط ابزارهای هوش مصنوعی می تواند به عنوان یکی از شیوه های کشف حقیقت تلقی گردد، این فرآیند تابع قانون شکلی می باشد. لذا چنانچه طرفین در موافقت نامه داوری از ابزارهای هوش مصنوعی به منظور ارزیابی ادله در نقش تسهیل کننده یاد نمایند، بنابر جوهره اصل آزادی و حاکمیت اراده، منع قانونی ندارد.

اما در خصوص ارزیابی ادله از طریق ابزار های هوش مصنوعی به عنوان داور یا ابزار مستقل، نیاز به بررسی ظرفیت ماشین های هوشمند و قوانین فعلی دارد. سابقا دیدگاه نظام حقوقی ایران در خصوص امکان سنجی به کارگیری هوش مصنوعی در ارزیابی ادله مورد بررسی قرار گرفته است.<sup>۹</sup> نوشتار حاضر جهت پاسخ به سوال فوق الذکر از چند جهت نوآوری دارد. اولاً بر خلاف نوشتار سابق، قواعد و مقررات داوری در سطح بین الملل تحلیل و مورد بررسی قرار گرفته است. ثانیاً قواعد برخی از مراکز داوری که اخیراً هوش مصنوعی را پیش بینی کرده اند، بررسی و تحلیل شده است. ثالثاً، امکان سنجی حقوقی ارزیابی ادله توسط هوش مصنوعی در مقام داور و دستیار، در قواعد فراملی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

## ۱\_ قانون نمونه داوری آنسیترال

در دیوان بین المللی داوری، قانون نمونه داوری آنسیترال از اهمیت قابل توجهی برخوردار است، زیرا بسیاری از کشورها از قانون نمونه اقتباس نموده و بر اساس رهنمود و چارچوب های آن، قوانین خود را به روز رسانی می نمایند. این قانون در ۸۳ کشور و در ۱۱۶ حوزه قضایی اعمال می گردد. هم چنین قانون نمونه به این جهت که از تراز پذیری قوانین و فناوری استقبال می نماید ارزیابی مفاد آن، اعتبار چنین روش نوینی را می تواند تقویت یا تضعیف نماید.<sup>۱۰</sup>

ماده ۱۹ قانون نمونه داوری آنسیترال، در این زمینه مقرر می دارد که طرفین قواعد رسیدگی را تعیین خواهند کرد و در صورت عدم توافق، داور رسیدگی را به نحوی که مناسب بداند اداره و مدیریت می نماید. داور نیز در تشخیص ارتباط، موضوعیت و ارزش ادله از اختیارات مطلق برخوردار است. در بند اول ماده ۲۵ قواعد داوری اتاق بازرگانی بین المللی مصوب ۲۰۲۱<sup>۱۱</sup> مقرر گردیده است که داوران در راستای کشف حقایق از طرق مختلف می توانند استفاده نمایند. آیین رسیدگی مرتبط با ادله از جمله سنجش آن تابع قانون شکلی می باشد.<sup>۱۲</sup>

<sup>۸</sup> سیمین واحدی و شهاب دالوندی، « قواعد، ابراز و پذیرش ادله و تفحص و افشا در داوری قراردادهای تجاری بین المللی»، حقوق فناوری های نوین، ۱، ۲ (۱۳۹۹)، ۲۵۷-۲۸۴.

<sup>۹</sup> محمد امین اسمعیل پور، فاطمه قناد و شهاب جعفری ندوشن، « امکان سنجی به کارگیری هوش مصنوعی در ارزیابی ادله داوری از منظر فقه و حقوق»، مجله حقوق پزشکی، ۱۷، ۵۸ (۱۴۰۲).

<sup>۱۰</sup> Socorro, A, "Are we ready for Artificial Intelligence to decide International Commercial Arbitration cases?" (Master Thesis, TILBURG University, 2020).

<sup>۱۱</sup> International Chamber of Commerce

<sup>۱۲</sup> همایون مافی، شرحی بر قانون داوری تجاری بین المللی ایران (تهران: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۳۹۷).

با توجه به اینکه ابزارهای مناسب جهت کشف حقیقت در قواعد مذکور به صورت مطلق بیان شده و بر طریقت آن تاکید دارد، لذا چنانچه هوش مصنوعی در تحقق اهداف مدنظر مقنن موثر و مفید واقع گردد، می‌تواند از مصادیق ابزارهای مناسب تلقی گردد. یکی از شیوه‌های رسیدن به کشف حقیقت، با توجه به ظهور فناوری پیشرفته، استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی در صحت‌سنجی ادله می‌باشد. هر چند در قوانین و مقررات فعلی صراحتاً استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی در فرایند داوری اشاره نگردیده، لکن از اطلاق مواد مندرج در قوانین و کنوانسیون‌های مختلف در این زمینه، می‌توان استفاده نمود. این امر نافی ضرورت تدوین قوانین و مقررات جامع در عرصه استفاده از هوش مصنوعی در فرایند داوری نمی‌باشد.

آزادی اراده داوران در پذیرش ادله در قانون نمونه آنسیترال<sup>۱۳</sup>، ماده ۹ راهنمای ادله کانون وکلای بین‌المللی<sup>۱۴</sup>، قواعد دیوان داوری بین‌المللی لندن<sup>۱۵</sup>، قانون فدرال داوری امریکا<sup>۱۶</sup> و ماده ۲۵ قانون داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی<sup>۱۷</sup> اشاره شده است. با توجه به جمع و تخصیص این قوانین، آزادی و اختیارات داوران مقید به رعایت اصول و قواعد آمره مثل اصل بی‌طرفی، رفتار مساوی یا عدم سوگیری می‌باشد.<sup>۱۸</sup> به کارگیری هوش مصنوعی در ارزیابی ادله در نقش تسهیل‌کننده، صرفاً اطلاعاتی را در اختیار داور انسانی قرار می‌دهد و ارزیابی نهایی آن با مشارالیه است. داور می‌بایست قواعد آمره از جمله بی‌طرفی و رفتار برابر با طرفین را رعایت نماید.

هوش مصنوعی در مقام ابزار تسهیل‌گر، داور محسوب نمی‌گردد تا مسئله نقض قواعد آمره مورد بحث قرار گیرد. هم‌چنین قانون نمونه آنسیترال در خصوص به کارگیری هوش مصنوعی در ارزیابی ادله ساکت بوده، اما نهی یا ممنوعیتی نیز بر آن وارد نشده است. تنها مانعی که بر استفاده از این فناوری در ارزیابی ادله وجود دارد، نقض قواعد آمره است.

برخی استدلال می‌نمایند بر اساس بند ۲ ماده ۷ قانون نمونه آنسیترال، ماهیت و اساس موافقت‌نامه داوری عقد و قرارداد است و آزادی طرفین در قراردادهای یک اصل مسلم و مقبول در داوری است. لذا طرفین حل اختلاف می‌توانند در ضمن عقد شرط نمایند که هوش مصنوعی به عنوان ابزار ادله را ارزیابی نماید<sup>۱۹</sup>

تاکید مواد قانون نمونه آنسیترال بر رعایت قواعد آمره حول و محور رفتار مساوی و رعایت بی‌طرفی است. با توجه به اینکه در خصوص اختیارات داور مبنی بر به کارگیری هوش مصنوعی در قانون نمونه آنسیترال اشاره‌ای نشده است، نبایست ذهن را به سمت نقض قواعد این قانون سوق داد. چرا که تفسیر موسع از مصادیق قواعد آمره، با روح حاکم بر داوری که مبتنی بر حاکمیت اراده اشخاص است، تعارض دارد.

در فرضی که طرفین حل اختلاف در خصوص به کارگیری هوش مصنوعی در فرایند ارزیابی ادله سکوت نمایند، بند ۲ ماده ۱۹ قانون نمونه مقرر می‌دارد که داور می‌تواند به هر نحوی که صلاح ببیند، داوری را اداره نماید. در ادامه تشخیص و ارزیابی ادله را به داور

<sup>13</sup> Uncitral

<sup>14</sup> International Bar Association

<sup>15</sup> London Court of International Arbitration

<sup>16</sup> Federal Arbitration Act

<sup>17</sup> ICC

<sup>18</sup> زهرامیرشاه پناه، همایون مافی و عباسعلی دارویی، «مطالعه تطبیقی تحصیل دلیل از سوی داور در نظام‌های حقوقی ایران و آمریکا و قواعد کانون وکلای بین‌المللی»، مطالعات حقوق تطبیقی، ۱۴، (۱۴۰۲)، ۵۳۹-۵۶۲.

<sup>19</sup> Shih, S and Chang, C, R, "The Application of AI in Arbitration: How Far Away Are We From AI Arbitrators?", Contemporary Asia Arbitration Journal, 17, 1(2024), 69-90.

محول کرده است. همانطور که ملاحظه شد، در فرض غیاب توافق طرفین بر قانون یا قواعد حاکم، الزامی برای داور جهت رجوع به قوانین ملی نمی‌باشد. مستفاد از ماده یاد شده، داور می‌تواند زمانی که فناوری‌های هوش مصنوعی قابلیت‌های چشم‌گیری در تسهیل ارزیابی ادله داشته باشند، از این تکنولوژی بدون در نظر گرفتن قوانین ملی و با تعیین قواعد مناسب با داوری، استفاده نماید.

در بند ۲، ۳ و ۴ ماده ۲۸ قانون نمونه به اختیارات داور در تعیین قواعد حاکم بر داوری بدون در نظر گرفتن قوانین ملی در غیاب توافق طرفین اشاره شده است. برای مثال داور می‌بایست بر اساس عرف بازرگانی، فرآیند ادله را پیش ببرد. چنانچه به کارگیری سیستم‌های هوش مصنوعی در فرآیند داوری در عرف بازرگانان مقبول و مشروع تلقی گردد، داور حسب عرف و روبه حاکم می‌تواند از چنین سیستم‌هایی بهره ببرد. جایگاه عرف در داوری ریشه در حاکمیت اراده طرفین داشته و در قانون نمونه نیز به آن اشاره شده است. از آن جایی که نهاد داوری، وامدار اراده و اختیارات اشخاص است، عرف و اراده طرفین از اهمیت بالایی در تفسیر قانون و حتی مقابله با قواعد سخت‌گیرانه قوانین ملی دارد. این قدرت تا جایی است که طرفین می‌توانند فرآیند داوری را بر اساس نظام اتهامی<sup>۲۰</sup> اداره نمایند که در این صورت نقش داور در ارزیابی ادله منفعل خواهد بود. لذا تصور اینکه داوری همان قضاوت است، بر خلاف اراده و حاکمیت طرفین است.

هم چنین در بند الف ماده ۲۶ همان قانون، داور می‌تواند راسا و بدون اجازه طرفین موضوع را جهت بررسی علمی و تخصصی به کارشناسان محول نماید. مضافا در بند ۲ ماده مذکور، چنانچه نظریه کارشناسی مبهم باشد، داور راسا می‌تواند از او توضیحات تکمیلی را بخواهد. با توجه به مفاد ماده مذکور، اولاً داور در کشف حقیقت و دانشی که در اختیار او نیست، می‌تواند از نظرات کارشناسان متخصص و خبره بهره ببرد. آنچه موضوعیت دارد، بهره‌گیری از علوم و دانشی است که داور فاقد آن است. لذا به صورت مطلق بهره‌گیری از نظریات کارشناسی، چه این نظریه برگرفته از نظرات کارشناسان انسانی یا مقتبس از داده‌های هوش مصنوعی باشد، جایز است. ثانیاً داور با توجه به نص صریح قانون الزامی در پذیرش نظریه کارشناسی ندارد و در صورت عدم تطابق با اوضاع و احوال می‌تواند آن را رد نماید. حال چنانچه هوش مصنوعی در فرآیند ارزیابی ادله به داده‌هایی برسد که از نظر داور مردود باشد، الزام و تحمیلی بر پذیرش آن وجود ندارد.

در بند ۲ ماده ۳۱ قانون نمونه، اشاره به مدلل بودن رای داور می‌نماید. به این معنا که اگر هوش مصنوعی داده‌هایی را در اختیار داور قرار دهد، داور می‌بایست به آن داده‌ها در رای خود اشاره کند. لازم به ذکر است هوش مصنوعی از آنجایی که دارای جعبه سیاه<sup>۲۱</sup> است، نحوه نتیجه‌گیری آن برای طرفین حل اختلاف مشخص نمی‌باشد. در ادامه همان ماده اشاره شده است که با توافق طرفین داور می‌تواند اساس و دلایل رای خود را نیاورد. این گزاره حاکی از اختیارات و آزادی داور در کشف حقیقت با رضایت طرفین است. داور می‌تواند با بهره‌گیری از داده‌های هوش مصنوعی در یک موضوع اقدام به صدور رای نماید، بدون آن که منشا علم خود را در رای داوری منعکس نماید. به عبارت دیگر، در فرض توافق طرفین مبنی بر عدم لزوم ارائه دلیل در رای داوری، این اختیار به

---

<sup>۲۰</sup> در نظامی اتهامی، مرجع داوری صرفاً ادله و اظهارات طرفین را استماع و از میان آن‌ها یکی را انتخاب می‌کند. محور رسیدگی در این نظام، طرفین حل اختلاف بوده و نقش داور در مدیریت ادله منفعل است.

<sup>۲۱</sup> جعبه سیاه در هوش مصنوعی به سیستم‌هایی گفته می‌شود که بدون توضیح در مورد نحوه رسیدن به یک نتیجه، تصمیم‌گیری می‌نمایند. وجود جعبه سیاه مسیر تصمیم‌گیری توسط هوش مصنوعی را برای کاربران مشخص نمی‌نماید.

مقام رسیدگی کننده داده می‌شود که مبانی علم خود را در رای منعکس ننماید. از این طریق حتی قوانین ملی هم نمی‌توانند به بهانه نقض نظم عمومی یا قواعد آمره از به کارگیری هوش مصنوعی در ارزیابی ادله ممانعت ورزند. زیرا دلایلی که داور بر مبنای آن به علم رسیده است، در رای ذکر نمی‌شود.

بند ب ماده ۲ مقرر می‌دارد: "دیوان داوری به معنای داور انحصاری یا هیئت داوران است". ماده ۱۱ در رابطه با فرایند انتصاب داور مقرر می‌دارد که تابعیت اشخاص مانع داوری نخواهد بود، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کنند. هم چنین، در بند اول از ماده ۱۲ مقرر می‌دارد که چنانچه شخصی به عنوان داور توسط طرفین تعیین می‌گردد، باید خصوصیتی را که می‌تواند باعث ایجاد تردیدهایی موجه در مورد بی‌طرفی یا استقلال او شود، افشا کند. با توجه به اصطلاحات به کار برده شده در مواد فوق الذکر نظیر «ملیت» یا «شخص» و مذاکرات پیرامون تصویب این قانون، به نظر می‌رسد صرفاً داوران انسانی، حاکم بر حل و فصل اختلافات خواهند بود.<sup>۲۲</sup>

در مجموع، قانون نمونه آنسیترال صرفاً در مقام بیان قواعد و مقررات جهت متحد الشکل کردن رسیدگی داوری در سطح بین‌الملل است. اما هر کشوری می‌تواند بر اساس مقتضیات قوانین خود، در خصوص به کارگیری فناوری‌های هوش مصنوعی در زمینه داوری اتخاذ تصمیم نماید. این بدین معنا است که قوانین آنسیترال، رهنمود و دستور العمل‌های خود را به دول‌های مختلف تحمیل نمی‌نماید.

## ۲\_ کنوانسیون نیویورک<sup>۲۳</sup>

در این بخش بررسی می‌گردد که آیا به کارگیری هوش مصنوعی چه به صورت داور یا به عنوان ابزار تسهیل‌گر در ارزیابی ادله، قابلیت اجرایی بر اساس مواد یا مفاد مندرج در کنوانسیون نیویورک را دارد یا خیر.

تجزیه و تحلیل کنوانسیون نیویورک بسیار مهم است، زیرا معیارهای شناسایی و به رسمیت شناختن آرای داوری بین‌المللی را تعیین می‌کند. اگر قواعد و مقررات ملی با کنوانسیون نیویورک مغایرت داشته باشند، قابلیت اجرای آرای داوری در سطح بین‌الملل بسیار کاهش می‌یابد. داوری و ارزیابی ادله با کمک هوش مصنوعی چالش‌های اساسی ایجاد نمی‌کند و نسبت به داوری‌های کاملاً مستقل و مبتنی بر هوش مصنوعی به سهولت با کنوانسیون نیویورک تطبیق داده می‌شود. ارزیابی و آرای داوران با کمک هوش مصنوعی همچنان محصول انسانی است که فناوری در تسهیل و تسریع آن ایفای نقش می‌نماید. ارزیابی ادله در داوری‌های کاملاً مستقل و مبتنی بر هوش مصنوعی، نیازمند بررسی دقیق جهت انطباق آن با مفاد کنوانسیون نیویورک می‌باشد. مفاد کنوانسیون مبین اصل اجرایی آرای داوری است و به رسمیت شناختن آن استثناء است.<sup>۲۴</sup>

<sup>22</sup> Onyefelu, O, A, "Artificial Intelligence in International Arbitration: A Step Too Far? *Arbitration*", *The International Journal of Arbitration. Mediation and Dispute Management*, 89, 1(2023), 56-77.

<sup>23</sup> Newyork Convention

<sup>24</sup> Welsh, N, A , "Enforcement of Foreign Arbitration Agreement and Awards: Application of the New York Convention in the United States". *The American Journal of Comparative Law*, 62, 4(2014), 69-95.

نظر به اینکه کنوانسیون نیویورک در زمینه شناسایی و اجرای آرای صادره در داوری در تاریخ ۱۹۵۸ تصویب شده است و از لحاظ تاریخی این کنوانسیون مقدم بر تحولات اخیر در حوزه هوش مصنوعی بوده، عدم تصریح به ابزارهای هوشمند نوین طبیعی می باشد. برای تجزیه و تحلیل قابلیت به کارگیری هوش مصنوعی به عنوان داور یا ابزار تسهیل کننده در فرآیند ارزیابی ادله، ضرورت دارد تاریخ و زمان انتشار کنوانسیون نیویورک در سال ۱۹۵۸ مورد بررسی قرار گیرد.<sup>۲۵</sup>

در مقایسه با پیشرفت های تکنولوژی عصر کنونی، در نظر گرفتن ماشینی که وظایف یک داور انسانی را در قرن بیست و یکم انجام می دهد، برای مثال هوش مصنوعی به عنوان داور ادله را ارزیابی نماید، سابق بر این قابل پیش بینی در امر تقنین نبوده است. بنابراین، کنوانسیون نیویورک باید به عنوان ابزاری زنده و پویا، که قادر به تطبیق محتوای خود با پیشرفت های فناوری آینده است و هم چنین به عنوان یک معاهده بین المللی، با در نظر گرفتن زمینه و اهداف آن تفسیر گردد. کنوانسیون نیویورک، یک سند بین المللی منفعل نبوده، بلکه بر اساس غایت و اهداف تاسیس آن، امکان سنجی ارزیابی ادله توسط هوش مصنوعی مورد بررسی قرار می گیرد. کنوانسیون نیویورک یک معاهده بین المللی است که تفسیر دقیق و جامع آن نیاز به بازبینی و پیاده سازی مفاد کنوانسیون وین در خصوص حقوق معاهدات مصوب ۱۹۶۹<sup>۲۶</sup> دارد.<sup>۲۷</sup>

از جمله اهداف تاسیس این کنوانسیون، تسهیل اجرای آرای فرامرزی داوری بین کشورهای متعاهد و ترویج تجارت بین المللی است. چنانچه تصمیمات و ارزیابی ادله توسط هوش مصنوعی، در تحقق و بهبود این اهداف کمک نماید، مانعی برای عدم شناسایی این سیستم هوشمند وجود ندارد. هم چنین این مواد، به درخواست ویژه اتحاد جماهیر شوروی و چکسلواکی در کنوانسیون نیویورک (همانطور که در آن زمان وجود داشت) گنجانده شد. این تصور سنتی یا قدیمی که فقط انسان ها می توانند داور باشند، نباید به عنوان رد عامدانه داوران غیر انسانی و از اصول آمرانه کنوانسیون تلقی و تفسیر گردد.<sup>۲۸</sup> بنابراین هوش مصنوعی در مقام داور می تواند اقدام به ارزیابی ادله نماید.

اگر هوش مصنوعی بتواند فرآیند ارزیابی ادله را تسهیل و تسریع و به نتایج با کیفیت بالاتری نسبت به داوران انسانی دست یابد و در نتیجه مقبولیت را افزایش دهد، این تفسیر از کنوانسیون نیویورک با غایت و اهداف آن مطابقت دارد. لذا تفسیر بر اساس فناوری های زمان تاسیس یک معاهده بین المللی، کنوانسیون و هر گونه معاهده را منفعل و منحصر به برهه ای از زمان می نماید. در صورتی که اسناد بین المللی به مثابه موجود زنده و فعال می بایست همگام با تحولات و عرف حاکم، اختلافات فرامرزی را حل و فصل نماید. برای مثال، این کنوانسیون به تبادل نامه یا تلگراف اشاره دارد که در سال ۱۹۵۸، نقطه اوج پیشرفت تکنولوژی تلقی می گردید.<sup>۲۹</sup> ابزارهای الکترونیکی پیش بینی شده در این قانون، مانند تلگراف و تله تکس می توانند نسخه های ساده از فناوری های نوین باشند. با این

<sup>25</sup> Socorro, A, "Are we ready for Artificial Intelligence to decide International Commercial Arbitration cases?" (Master Thesis, TILBURG University, 2020), 1-46.

<sup>26</sup> Vienna Convention on the Law of Treaties

<sup>27</sup> (Ibid: 30-31)

<sup>28</sup> (Ibid:30-31)

<sup>29</sup> (Ibid:30-31)

تفاوت که با توجه به پیشرفت‌های اخیر فناوری، امروزه ابزارهای هوش مصنوعی نسخه پیشرفته با قابلیت‌های بسیار چشم‌گیر بوده که در برخی از زمینه‌ها بهتر از انسان عمل می‌کنند.

موافقت نامه داوری اساس و مبنای داوری است که در آن طرفین توافق می‌کنند که اختلافات فعلی یا آینده خود را به داوری محول کنند. همچنین طرفین حل اختلاف می‌توانند قواعد ناظر بر رویه، محل داوری، قوانین ماهوی و تعیین داوران را تنظیم کنند که این اختیارات بیانگر اصل حاکمیت اراده و آزادی طرفین در داوری است. این اصل به طرفین حق تصمیم‌گیری در مورد اساسی‌ترین جنبه رسیدگی داوری را می‌دهد. بنابراین، اگر هر دو طرف توافق کنند که اختلافات و ارزیابی دلایل خود را از طریق یک ماشین هوشمند به جای داور انسانی حل کنند، این توافق معتبر است. با توجه به اساس و ماهیت داوری و قوانین حاکم بر آن، طرفین حل اختلاف می‌توانند بر اساس دلایلی مبتنی بر مصالح خویش، سیستم یا مکانیسم عدالت مدنی را پیاده‌سازی نمایند.<sup>۳۰</sup>

در بند ۵ ماده ۵ کنوانسیون مذکور مقرر می‌گردد که شخصی که رای علیه او صادر شده، ممکن است با ایراد به ترکیب هیئت داوری به عدم اعتبار تصمیمات داوران اشاره نماید. برای مثال، چنانچه از هوش مصنوعی به عنوان داور و ابزار مستقل در ارزیابی ادله استفاده شود، احدی از طرفین، بر اساس قانون حاکم بر اختلاف یا قانون محل صدور رای در فرض عدم تعیین قانون حاکم، ابطال تصمیمات هوش مصنوعی را درخواست نماید. اساسا زمانی که طرفین مبادرت به تعیین قانون حاکم بر اختلاف نمایند، چون از قبل در خصوص جواز یا ابطال صدور رای با کمک هوش مصنوعی آگاه بوده‌اند، اشکالی بر آن وارد نمی‌گردد، این چالش زمانی است که موافقت نامه داوری در خصوص تعیین قانون حاکم مسکوت مانده است. در این خصوص تفاسیر و برداشت‌های گوناگون از سوی دکتربین و رویه قضایی نسبت به قانون حاکم وجود داشته که نظریه قانون مقرر، مشهور می‌باشد.<sup>۳۱</sup>

علی‌رغم تفسیرهای مختلف در خصوص قانون حاکم بر داوری، در فرض سکوت موافقت نامه، زمانی که یک هوش مصنوعی به عنوان داور اقدام به ارزیابی ادله می‌نماید اختلافات بیشتر خواهد شد. برای مثال ممکن است محل دسترسی طرفین حل اختلاف و استقرار سیستم هوش مصنوعی متفاوت باشد یا این سیستم هوشمند ترکیبی از فناوری‌های حوزه‌های قضایی مختلف باشد. در بدو امر ممکن است راه حلی برای تمام موضوعات و چالش‌ها وجود نداشته باشد. در این خصوص به نظر می‌رسد مقرر داوری، محل اقامتگاه مالک یا توسعه دهنده ربات یا اقامتگاه شرکت‌های ارائه‌کننده سیستم‌های هوش مصنوعی، به عنوان راه حل منطقی جهت رفع چالش مذکور، تلقی گردد. برای مثال چنانچه مایکروسافت توسعه دهنده یا مالک داور ربات باشد، محل داوری، مقرر آن شرکت است. به نظر می‌رسد در داوری بین‌المللی به کارگیری واژگانی هم‌چون قواعد، عرف و غیره، ذهن را به این سمت سوق می‌دهد که مقرر صرفا مفهوم حقوقی است که داور بر اساس مصلحت طرفین و لازم الاجرا شدن رای داوری می‌تواند قانون کشوری را که به این هدف کمک نماید، اعمال نماید.

در بند دوم از ماده یک این کنوانسیون، در خصوص واژه و اصطلاح رای داوری مقرر می‌دارد که این واژه نه تنها شامل آرای صادره توسط داورانی است که برای هر پرونده تعیین می‌شوند، بلکه شامل آرای صادره توسط نهاد و موسسات داوری که طرفین بر آن توافق

<sup>30</sup> (Ibid:29)

<sup>31</sup> (Ibid)

نموده نیز می‌گردند. بدیهی است آن چه به ذهن متبادر می‌گردد واژه داور ناظر بر اشخاص طبیعی یا انسان می‌باشد. با این حال در این کنوانسیون در خصوص ویژگی‌های داور و انحصار آن به داوران انسانی ساکت می‌باشد<sup>۳۲</sup>

هم چنین در ماده ۵ کنوانسیون مذکور در خصوص موانع اجرای رای مقرر می‌دارد که تعیین داور یا مراحل رسیدگی به شخص محکوم ابلاغ نشده باشد، که این مقرر صرفاً در خصوص رویه و اصول حاکم بر فرایند رسیدگی تاکید می‌نماید. همانطور که ملاحظه می‌گردد، در خصوص ماهیت و اوصاف داور، در موارد فوق الذکر اشاره ای نشده و عدم جواز صدور رای توسط سیستم‌های هوش مصنوعی تصریح نگردیده است. با توجه به این که مقنن در مقام بیان موانع اجرای رای داوری بوده، سکوت قانون‌گذار می‌تواند بر جواز به کارگیری سیستم هوشمند در ارزیابی ادله چه در مقام داور یا ابزار تسهیل‌گر صحنه بگذارد. اگر هوش مصنوعی به عنوان داور بتواند ادله را ارزیابی نماید، به قیاس اولویت استفاده از آن در مقام دستیار منع قانونی نخواهد داشت. زیرا در نهایت داور انسانی با نظارت بر یافته‌های هوش مصنوعی تصمیم نهایی را اتخاذ می‌نماید.

چنانچه هوش مصنوعی به عنوان داور اقدام به ارزیابی ادله نماید، با چالش‌هایی مواجه می‌گردد. یکی از موانع اجرای رای که در این کنوانسیون پیش‌بینی شده، زمانی است که ترکیب مرجع داوری یا رویه داوری، مطابق توافق طرفین نبوده یا در صورت عدم توافق، مطابق با قانون حاکم داوری صورت نگیرد. بر اساس این ماده، زمانی که طرفین نسبت به استفاده از هوش مصنوعی چه به صورت مستقل یا غیر مستقل توافق کنند، دلیلی برای امتناع از اجرای رای وجود ندارد. موضوع بحث برانگیز زمانی رخ می‌دهد که توافقنامه داوری به طور واضح سیستم‌های هوش مصنوعی را به عنوان مکانیزمی برای حل و فصل اختلافات داوری تعیین ننماید. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه ماهیت و جنس داوران از موارد بطلان یا ابطال رای نبوده و از طرفی اصل حاکم بر کنوانسیون اجرایی شدن آراء بوده، لذا در مقام تردید و شبهه قواعد به نفع این اصل بهتر است تفسیر گردند.

اما یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و موانع اجرای رای، زمانی است که آراء صادره با نظم عمومی دولتی که رای در آن اجرا می‌شود، مغایرت داشته باشد. در نهایت، ممکن است برخی از دول، از شناسایی و اجرای به کارگیری هوش مصنوعی در داوری به علت نقض نظم عمومی امتناع ورزند. به طور کلی، به نظر می‌رسد نظم عمومی مفهومی است که دولت می‌تواند به بهانه نقض آن آرای داوری را مورد خدشه قرار دهد. لذا پیشنهاد می‌گردد اولاً محدوده و مفهوم نظم عمومی تبیین گردد ثانیاً نظم عمومی این چنین تعریف شود که قواعد، اصول و شالوده‌ی یک نظام حقوقی را از سایر نظام‌های حقوقی دیگر منفک و متمایز می‌سازد، حتی المقدور چنین تفسیر مضیقی از مفهوم نظم عمومی، از نقض آراء جلوگیری می‌نماید. پر واضح است که باید بر برخی چالش‌ها غلبه کرد، اما با پیشرفت فناوری هوش مصنوعی، برخی از مسائل به مرور حل خواهند شد. البته، اگر این فناوری در تقویت عدالت و انصاف ایفای نقش نماید، احتمالاً از حمایت جهانی دول متعاقد این کنوانسیون، برخوردار خواهد شد.

<sup>32</sup> Kasap, G,H, "Can Artificial Intelligence Replace Human Arbitrators? Technological Concerns and Legal Implications". Journal of Dispute Resolution.,(2021),209-254.

### ۳\_ قانون داوری فدرال امریکا<sup>۳۳</sup>

نظام حقوقی آمریکا با وضع قوانین و مقررات در زمینه امضای دیجیتالی و فراهم کردن بسترهای هوش مصنوعی قدم های نوینی در احراز هویت اشخاص گام برداشته است. تصمیمات قضایی مبتنی بر هوش مصنوعی هر روز در ایالات متحده بهبود می یابد و مقررات فدرال و ایالتی به سرعت قواعد جدیدی را وضع می کنند.<sup>۳۴</sup>

برخی از حقوق دانان آمریکایی معتقدند که برخی از مواد قانون داوری راه را برای به رسمیت شناختن هوش مصنوعی چه در نقش تسهیل گر و چه در نقش داور باز می نماید. بخش دوم قانون داوری آمریکا، مقرر می دارد که موافقت نامه های داوری معتبر، غیر قابل فسخ و قابل اجرا هستند مگر این که، دلایل قانونی برای لغو چنین قراردادی وجود داشته باشد. اگر طرفین شواهدی مبنی بر تقلب، کلاهبرداری یا اجبار در تنظیم موافقت نامه ارائه دهند، می توانند موافقت نامه داوری را فسخ نمایند.<sup>۳۵</sup> همان طور که ذکر شد، اصل اولیه در تنظیم موافقت نامه داوری، غیر قابل فسخ بودن آن می باشد، مگر اینکه دلایلی مبنی بر عدم اعتبار آن، حسب موارد پیش بینی شده در قانون، ارائه گردد. مستفاد از ماده مذکور، استفاده از هوش مصنوعی در ارزیابی ادله، از موارد قابل فسخ بودن موافقت نامه داوری به شمار نمی آید. در نظام حقوق ایران نیز، اصل بر لزوم قرارداد است و جایز بودن آن مستلزم وجود نص است.

در ایالات متحده، برخی دعاوی از جمله اختلافات مربوط به اوراق بهادار یا دعاوی ایالات ها با یکدیگر در خصوص مسائل تجاری، معمولاً به دلایل پیچیدگی و حساسیت های خاص در دادگاه بررسی خواهد شد. اما حقوق دانان آمریکایی استدلال می کنند که دادگاه ها می بایست موافقت نامه های داوری را اجرا نمایند، حتی اگر موضوع اختلاف داوری مرتبط با دعاوی پیچیده مثل اوراق بهادار باشد. این استدلال برای حمایت از اراده و حاکمیت توافقات اشخاص می باشد. لذا احترام به اراده و آزادی طرفین در روش های حل و فصل اختلافات، جواز به کارگیری هوش مصنوعی در داوری از جمله ارزیابی ادله را تقویت می نماید. دادگاه ها عموماً ملزم به اجرای موافقت نامه های داوری هستند، حتی زمانی که این توافق نامه ها شامل دعاوی اوراق بهادار باشد، که بر نگاه قانون فدرال در اهمیت حمایت از توافق و اراده طرفین داوری اشاره می کند.<sup>۳۶</sup>

به نظر می رسد داوری پذیری دعاوی، اولاً و بالذات امری مرتبط با نظم عمومی است، کما اینکه در اصل ۱۳۹ قانون اساسی ایران، دعاوی مربوط به اموال عمومی با قیود و شرایطی قابل داوری است ولی اراده طرفین نمی تواند بستر نقض قواعد و اصول مرتبط با نظم عمومی را مهیا نماید. با توجه به اینکه آمریکا نیز به کنوانسیون نیویورک در اجرای آرای داوری خارجی ملحق شده است، نظم عمومی می تواند دستاویز و مستند آرای قضات در ابطال رای داوری گردد و به نوعی مانع اجرای آزادی طرفین با وسعت تعیین شده گردد. لذا اراده طرفین داوری نمی تواند فراتر از خط کشی های مقنن، ناقض قواعد مرتبط با نظم عمومی باشد.

<sup>33</sup> American arbitration Act (AAA)

<sup>34</sup> محسن صادقی و مهدی ناصر، «خطرات حقوقی امضای الکترونیکی و الزامات قانونی پیشگیری از آن ها ( مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و آمریکا)»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ۲۴، ۹۶ (۱۳۹۹)، ۱۸۹-۲۲۴.

<sup>35</sup> Loannidis, D., "Will Artificial Intelligence Replace Arbitrators Under the Federal Arbitration Act?". *Richmond Journal of law and Technology*, 2021, 3(2022), 505-595

<sup>36</sup> (Ibid:550)

در قانون فدرال، طرفین می‌توانند موافقت نمایند هر گونه سوال یا چالش‌های به وجود آمده در فرآیند داوری، توسط داور بررسی شود. تفویض چنین صلاحیتی مبنی بر اینکه داور راساً نسبت به چالش‌های به وجود آمده تصمیم‌گیری نماید، نیاز به موافقت طرفین دارد. چنانچه یکی از طرفین در خصوص چنین اختیاراتی توسط داور، اعتراض و آن را به چالش بکشاند، دادگاه در این مورد تصمیم می‌گیرد. با توجه به موارد فوق، از آنجایی که بر اساس اراده اشخاص، طرفین می‌توانند رسیدگی به چالش‌های مرتبط با داوری یا اعتبار موافقت‌نامه را به داور محول کنند، لذا اگر هوش مصنوعی به عنوان داور یا ابزار تسهیل‌گر در فرآیند ارزیابی ادله انتخاب شود، بر اساس اختیارات ناشی از اراده طرفین، داور می‌تواند در خصوص اعتبار موافقت‌نامه داوری و جواز به کارگیری سیستم هوشمند در فرآیند ارزیابی ادله تصمیم‌گیری نماید.<sup>۳۷</sup>

در خصوص چالش‌های مربوط به اجرای آرای داوری، بر اساس مفاد قانون مذکور، آرای داوری لازم‌الاجرا می‌باشند، مگر اینکه اشتباه آشکار، سوگیری، تقلب یا اموری که موجب نقض حقوق اساسی طرفین داوری گردد، به وجود آید. بر این اساس، صرف نارضایتی اشخاص یا ابهامات جزئی در آرای داوری، از موانع اجرای رای به شمار نمی‌آید و طرفین حل اختلاف صرفاً بر اساس دلایل و استدلال‌ات موجه در محدوده قانون می‌توانند به رای اعتراض کنند. هم چنین، دخالت دادگاه در نقض آرای داوری صرفاً محدود به موارد فوق می‌باشد. همانطور که ذکر شد، صرف به کارگیری هوش مصنوعی در ارزیابی ادله مانع اجرای رای داوری نخواهد شد مگر این که احدی از طرفین سوگیری یا اشتباه فاحش داده‌های هوش مصنوعی را اثبات نماید. در غیر این صورت آرای داوری صادره توسط داوران انسانی یا حتی هوش مصنوعی، بر اساس حاکمیت اراده طرفین و عدم نقض اصول حاکم بر داوری، مانعی برای شناسایی و به رسمیت شناختن ندارد. به طریق اولی به کارگیری هوش مصنوعی در ارزیابی ادله نیز منعی نخواهد داشت.

هم چنین به موجب قانون مارالذکر، طرفین داوری می‌توانند داور یا دیوان داوری مد نظر خود را برای حل و فصل اختلافات، انتخاب نمایند. این قانون به صراحت استفاده از پلتفرم‌های هوش مصنوعی را به عنوان داور منع نمی‌کند. به عبارت دیگر حاکمیت اراده و آزادی طرفین نقش تعیین‌کننده‌ای در اعتبار به کارگیری هوش مصنوعی خواهد داشت. هم چنین سیاست و اهداف مقنن در تدوین قانون فدرال، اجرای قراردادهای داوری و معتبر بودن شروط ضمن آن می‌باشد که چنین رویکردی، احترام به اراده و آزادی طرفین داوری در تعیین روش و مکانیسم‌های حل و فصل اختلافات از جمله انتخاب هوش مصنوعی به عنوان داور یا ابزار تسهیل‌کننده در ارزیابی ادله می‌باشد.<sup>۳۸</sup>

در این قانون، موارد رد صلاحیت داوران اشاره شده است. این موارد به طور خاص شامل داوران غیر انسانی نمی‌شود، چرا که غیر انسان بودن داور از عوامل رد صلاحیت داوری محسوب نگردیده است. البته از نظر تئوری ممکن است داوری هوش مصنوعی به علت سوگیری یا جانبداری مورد خدشه واقع شود. با این حال عوامل رد صلاحیت داوران، جهت حفظ حقوق طرفین حل اختلاف می‌باشد، به عبارت دیگر شروط بی‌طرفی و استقلال داور از جمله حقوق اشخاص در فرآیند داوری بوده و از آنجایی که حق قابل اسقاط است، لذا طرفین حل اختلاف می‌توانند از این حقوق و قواعد چشم‌پوشی یا صرف نظر کنند. موید این امر، حاکمیت اراده و

<sup>37</sup> Ibid

<sup>38</sup> Horton, D, " Forced Robot Arbitration". Cornell Law Review, 109, 3(2023), 1-51.

احترام به توافقات طرفین می‌باشد. در مجموع، هر چند قانون داوری فدرال، صراحتاً هوش مصنوعی را به عنوان داور خطاب نمی‌کند، رویکرد انعطاف‌پذیر و مبتنی بر احترام به اراده اشخاص، جواز به کارگیری این سیستم‌های هوشمند در صحت‌سنجی ادله را تقویت می‌نماید و در مقام داور نیز مشروط بر این است که طرفین صریحاً با آن موافقت کرده باشند.

#### ۴\_ دستورالعمل کانون وکلای بین‌المللی و قواعد پراگ<sup>۳۹</sup>

از جمله قواعد رایج و مرتبط با ادله در داوری بین‌المللی، دستورالعمل اتحادیه بین‌المللی وکلای دادگستری<sup>۴۰</sup> و قواعد پراگ در خصوص رسیدگی کارآمد و پویا در عرصه داوری است. این دستورالعمل‌ها پس از تایید طرفین داوری، معیار و ملاک نحوه رسیدگی به موضوع حل اختلاف و ارزیابی شواهد را ارائه می‌دهند. قواعد اتحادیه بین‌المللی وکلای دادگستری، سند را شامل هر نوع نوشتار، تصویر، طراحی، برنامه یا داده اعم از الکترونیک یا غیر الکترونیک تعریف می‌کند. هم‌چنین بر اهمیت ارائه اسناد الکترونیک مرتبط، شناسایی ماهیت اسناد الکترونیکی و وجود ابزارهای لازم در راستای ارزیابی اسناد، تاکید می‌نماید.<sup>۴۱</sup>

به عبارت دیگر، وقتی طرفین حل اختلاف جهت اثبات ادعای خود، اسناد الکترونیکی را به داوران ارائه می‌دهند، باید به گونه‌ای باشد که داور به راحتی بتواند تجزیه و تحلیل کند. برای مثال اطلاعات مربوط به فایل‌های الکترونیک (تاریخ، زمان و ...) و ابزارهای مناسب برای تجزیه و تحلیل آن‌ها جهت تسهیل، تسریع و پویایی داوری لازم می‌باشد. برای مثال، در خصوص اختلاف طرفین داوری بر قرارداد فروش، این اشخاص می‌بایست کلیه اسناد و مستندات کاشف در حقیقت را افشا و تبادل نمایند. هم‌چنین دیوان میبایست از ابزار و روش‌های نوین و مناسب جهت ارزیابی و صحت‌سنجی ادله برخوردار باشد.

در مقابل، رویکرد قواعد پراگ، مبتنی بر تشویق افراد از عدم ارائه بیش از حد اسناد و افشای آن می‌باشد، مگر اینکه مدارک ارائه شده توسط طرف مقابل به چالش کشیده شود. در صورت صلاحدید، دیوان داوری می‌تواند اصل مدارک را مطالبه و مورد بررسی قرار دهد. قواعد مذکور، با هدف کارایی بیشتر در فرآیند داوری، افشای اسناد و تولید آن‌ها را به حداقل می‌رساند. به جای اینکه طرفین داوری به صورت گسترده و بدون محدودیت اسناد را افشا کنند، مفاد مواد قانون مذکور ناظر بر این است که اسناد ارائه شده معتبر هستند، مگر اینکه طرف مقابل دلیلی برای خدشه نمودن آن ارائه دهد. هم‌چنین بر اهمیت چک لیست یا معیارهایی برای افشا و ارائه اسناد، در راستای تحقق اهداف این قانون تاکید می‌کند. این معیار و قواعد می‌تواند شامل اهمیت اطلاعات، محدوده و حجم داده‌ها، زمان‌بندی و هزینه‌های مربوط به ارائه اسناد باشند.<sup>۴۲</sup>

برای مثال، در خصوص اختلاف طرفین داوری بر قرارداد فروش، بر اساس دستورالعمل کانون وکلای بین‌المللی، طرفین حل اختلاف ملزم هستند که کلیه اسناد و مستندات کاشف در حقیقت را افشا و تبادل نمایند. هم‌چنین، دیوان میبایست از ابزار و روش‌های نوین و مناسب جهت ارزیابی ادله برخوردار باشد که می‌تواند به صورت ضمنی به کارگیری هوش مصنوعی در صحت

<sup>39</sup> Rules On the Efficient Conduct of proceedings in international arbitration (prague rules)

<sup>40</sup> International Bar Association

<sup>41</sup> Ferreira, D. B and Gromova, E. A., "Electronic evidence in arbitration proceedings: empirical analysis and recommendations". *Digital Evidence and Electronic Signature Law Review*, 20(2023), 30-39.

<sup>42</sup> (Ibid:31-32)

سنجی ادله را تایید نماید. در حالی که در قواعد پراگ، چنانچه در بدو امر طرفین حل اختلاف چند سند را ارائه کرده باشند، تمرکز می‌بایست بر آن مستندات باشد، مگر اینکه ادله ابرازی کافی یا قابل استناد نباشند. به عبارت دیگر، قواعد پراگ با ایجاد معیار هایی برای افشای ادله، بر اهمیت تسهیل و تسریع رسیدگی و قابل ارتباط بودن ادله تاکید می‌نماید. هوش مصنوعی با قابلیت های بالقوه خود می‌تواند مرتبط بودن ادله و سنجش آن را تسهیل و تسریع نماید. بنابراین به کارگیری هوش مصنوعی در صحت سنجی ادله با اهداف و روح حاکم بر قواعد پراگ مطابقت دارد.

قواعد کانون وکلای بین المللی با هدف نزدیک کردن ۲ نظام حقوق عرفی و نوشته، اصل ارزیابی آزاد دلایل را صراحتاً در ماده ۹ بیان می‌دارد. مفاد این ماده به این شرح است که داور در پذیرش و ارتباط ادله از اختیارات لازم برخوردار است. هم چنین در تایید آزادی داوران، در ماده ۳ دستورالعمل مذکور، ادله را به سه دسته تقسیم نموده است. ادله ای که طرفین انتخاب می‌نمایند، ادله ای که در يد طرف مقابل است و در مرحله آخر ادله‌ای که از نظر داور اهمیت دارد. همانطور که ملاحظه گردید، ادله را به اعتبار شخصیت داور و طرفین حل اختلاف تقسیم می‌نماید. به عقیده اکثر محققین از ویژگی های برجسته داوری حق انتخاب آیین رسیدگی شکلی توسط طرفین حل اختلاف است.<sup>۴۳</sup> از آن جایی که به کارگیری هوش مصنوعی در ارزیابی ادله در مقام ابزار تسهیل گر، از قواعد شکلی حاکم بر داوری محسوب می‌گردد لذا جواز به کارگیری آن با عقیده بسیاری از اندیشمندان حوزه داوری تطابق دارد. چرا که اصل آزادی اراده طرفین در تعیین قواعد شکلی چنین اختیاری را به طرفین می‌دهد.

## ۵\_ قواعد داوری انگلیس

جواز به کارگیری هوش مصنوعی در ارزیابی ادله با بررسی قوانین و قواعد حاکم بر داوری در نظام حقوقی انگلیس از جمله قانون داوری بریتانیا و قواعد دیوان داوری بین المللی لندن به صورت ضمنی قابل برداشت می‌باشد. اما صراحتاً قواعد و مقرراتی در این زمینه وجود ندارد.

در قوانین ملی، به ندرت قواعدی در خصوص ادله و احکام ارزیابی وجود دارد که نظام حقوقی انگلستان نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. در قانون داوری انگلیس در ماده ۳۴-۲ و در ماده ۲۲ (۶) قواعد دیوان بین المللی لندن، اصل ارزیابی آزاد دلیل مورد پذیرش قرار گرفته است و به عقیده برخی از دکتربین حقوقی آن کشور داوران نیز از صدور احکام مدلل معاف می‌باشند.<sup>۴۴</sup> در فرانسه و انگلیس اصل ارزیابی آزاد دلیل پذیرفته شده است و داوران از اختیارات بالایی در ارزیابی ادله خواهد داشت. در حقوق انگلیس برخی بر این باورند که معیار ارزیابی دلیل، دلایل مبرهن و قانع کننده می‌باشد و هم چون دعوی کیفری از ضابطه اثبات سخت گیرانه استفاده نمی‌نمایند.<sup>۴۵</sup> به نظر می‌رسد اختیارات داوران در ارزیابی و اعتبارسنجی ادله، فضا را برای کشف حقیقت میسر و منفعل بودن

<sup>۴۳</sup> لعلیا جنیدی، مرتضی شهبازی نیا و سارا زمانی، «استاندارد سازی منعطف اداره دلایل در داوری تجاری بین المللی»، پژوهش های حقوق تطبیقی، ۲۲، ۲ (۱۳۹۷)، ۵۶-۳۱.

<sup>۴۴</sup> سمین واحدی و شهاب دالوندی، «قواعد، ابراز و پذیرش ادله و تفحص و افشا در داوری قراردادهای تجاری بین المللی»، حقوق فناوری های نوین، ۱، ۲ (۱۳۹۹)، ۲۸۴-۲۵۷.

<sup>۴۵</sup> نوشین عطاردیان، «مطالعه تطبیقی ارزیابی دلیل در حقوق ایران و انگلیس»، مجله بین المللی پژوهش ملل، ۴، ۴ (۱۳۹۸)، ۸۶-۷۳.

داور را کم‌رنگ می‌نماید و از طرفی طرق کشف حقیقت طریقت داشته، لذا به کارگیری هوش مصنوعی در تأمین هدف مذکور منعی نخواهد داشت.

برای مثال، ماده (۱) ۲۲ قواعد دیوان داوری بین المللی لندن و قانون داوری انگلیس مصوب ۱۹۹۶ مقرر می‌دارد که دیوان داوری هر گونه تحقیق موثر در کشف حقیقت را در زمان مناسب می‌تواند انجام دهد. در بخش ۴۳ قانون داوری انگلیس اختیار بررسی مدارکی که در ید ثالث وجود دارد، به داور اعطا شده است. اما در برخی از کشورها داور چنین اختیاری نخواهد داشت. در قانون داوری انگلیس رعایت اصل سرعت مورد تأکید مقنن قرار گرفته است.<sup>۴۶</sup>

در حقوق کامن لا، داور نقش منفعلانه دارد و در کشور انگلیس در ایام گذشته بی طرفی داور بسیار افراطی بوده است. برای مثال در حقوق کامن لا پیش از شروع جلسه رسیدگی، وقتی برای تفحص ادله برای طرفین وجود دارد. به این معنا که زمانی که طرفین اختصاص داده می‌شود که ادله یکدیگر را مورد تبادل و چالش قرار دهند. این رویکرد بنا به تفسیر دکتربین، احترام خاص داوران به طرفین حل اختلاف می‌باشد.<sup>۴۷</sup> هرچند داوران در حال حاضر در حقوق انگلیس از آزادی بالایی در ارزیابی دلیل برخوردار می‌باشند، اما در بخش ۱۹-۱ قواعد دیوان داوری بین المللی لندن احترام به اراده طرفین از جمله اصول حاکم بر داوری می‌باشد. در این بخش مقنن صراحتاً اعلام کرده است جلسه استماع و ارزیابی ادله در وهله اول با توافق طرفین مدیریت می‌گردد. اما در صورت عدم توافق، داور در ارزیابی ادله از اختیارات بالایی برخوردار است.<sup>۴۸</sup>

با توجه به اینکه داوران از آزادی لازم در کشف حقیقت برخوردار بوده و حسب مواد فوق الذکر تحقیقات موثر در کشف حقیقت با رعایت اصل سرعت را می‌توانند انجام دهند، از جمله اموری که موجب اعتبارسنجی ادله با سرعت مناسب خواهد شد، به کارگیری هوش مصنوعی می‌باشد. لذا به کارگیری هوش مصنوعی در مقام تسهیل گر چه در قانون داوری انگلیس و چه در قواعد دیوان بین المللی لندن حسب آزادی داوران و دیدگاه مقنن نسبت به اصل سرعت در تحقیقات داوری برداشت می‌گردد. هم چنین احترام به توافقات طرفین به عنوان قاعده مسلم و اولیه در داوری انگلستان به اشخاص این فرصت را می‌دهد تا از دیوان داوری به کارگیری هوش مصنوعی نسبت به ارزیابی ادله را درخواست نمایند.

در اکثر قواعد و مقررات حاکم بر داوری، از جمله کنوانسیون نیویورک یا قوانین ملی، داوری مختص اشخاص حقیقی نمی‌باشد یا قانون گذاران اشخاصی غیر از انسان‌ها را صراحتاً به عنوان داور مورد نهی و ممنوعیت قرار نداده‌اند. با این حال برخی از کشورها صراحتاً داوری غیر از انسان را پیش‌بینی نکرده‌اند. برای مثال در ماده ۱۴۵۰ قانون مدنی فرانسه<sup>۴۹</sup> به وضوح داور را شخص حقیقی عنوان می‌نماید. در کتاب چهارم داوری در ماده ۱۰۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی هلند مقرر می‌دارد که هر شخص حقیقی دارای اهلیت قانونی می‌تواند به عنوان داور تعیین گردد، مگر اینکه با توجه به بی طرفی و عدم استقلال دیوان داوری طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند. در جایی دیگر بیان می‌دارد که هیچ شخصی به دلیل تابعیتش از انتصاب به عنوان داور منع نخواهد شد. در قانون

<sup>۴۶</sup> واحدی و دالوندی، پیشین، ۲۷۴.

<sup>۴۷</sup> واحدی و دالوندی، پیشین، ۲۶۸.

<sup>۴۸</sup> واحدی و دالوندی، پیشین، ۲۷۶.

داوری اسکاتلند نیز تاکید می‌گردد که صرفاً یک فرد می‌تواند به عنوان داور تعیین شود. اما در برخی از قوانین، اشخاص حقوقی در عرض اشخاص حقیقی می‌توانند به عنوان داور ایفای نقش نمایند.<sup>۵۰</sup>

به عقیده برخی از محققین، موافقت‌نامه‌های داوری نمی‌توانند قوانین مادر را نادیده بگیرند، برای مثال، بند یک ماده ۲۶ قانون داوری انگلیس مصوب ۱۹۹۶ مقرر می‌دارد که مباشرت در داوری شرط است و پس از مرگ او پایان می‌یابد. تفسیر اولیه از این ماده بدین شرح است که فوت و سلب حیات ناظر بر اشخاص حقیقی است، لذا صرفاً یک شخص حقیقی می‌تواند سکان دار این منصب باشد. با این حال، حقوقدانان انگلیسی تفاسیر و برداشت‌های متعدد و مختلفی از این ماده داشته‌اند. برای مثال در دبی، بر اساس توافق طرفین، بانک اسلامی به عنوان داور، تعیین شد و اندیشمندان حقوقی در انگلستان داوری انجمن یا هیئت مدیره را بنا بر قانون داوری انگلیس معتبر شناخته‌اند.<sup>۵۱</sup>

با توجه به توضیحات مذکور، استفاده از هوش مصنوعی به عنوان داور یا ابزار تسهیل‌گر به منظور ارزیابی ادله صراحتاً مورد نهی در این کشور قرار نگرفته است. اما برخی مواد مذکور در قواعد داوری انگلستان، داوری را مختص انسان‌ها می‌داند. لکن با پذیرش داوری اشخاص حقوقی از سوی برخی دکتربین، به کارگیری هوش مصنوعی به عنوان داور می‌تواند محل نزاع میان دکتربین این کشور باشد.

## ۶\_ قواعد داوری ایکسید

در قواعد داوری ایکسید، صراحتاً به استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی در ارزیابی ادله اشاره‌ای نشده است. لکن با بررسی برخی از مواد این قواعد، می‌توان به صورت ضمنی این مهم برداشت کرد. در این قسمت استدلال می‌گردد که هوش مصنوعی به عنوان همیار دیوان داوری می‌تواند در اثبات و صحت سنجی امور موضوعی و حکمی، ایفای نقش نماید.

مفهوم دوست دادگاه در انگلستان در قرن ۱۴ و پس از آن در قرن ۱۷ و ۱۸ به صورت فراگیر تبیین شد و دادگاه‌ها از نظریات مشورتی آن‌ها استفاده کردند. در اصل ۱۳ آیین دادرسی فدرال، قاعده ۲۹ آیین دادرسی فدرال آمریکا و قاعده ۳۷ دادگاه عالی ایالات متحده مفهوم دوست دادگاه پیش‌بینی شده است. هر چند که در آمریکا برخی بر این باورند که استفاده از این نهاد صرفاً هزینه‌بر و از عوامل اطاله دادرسی خواهد شد.<sup>۵۲</sup>

در اصلاحیه ماده ۳۷ قواعد داوری ایکسید، از همیار دادگاه به عنوان طرف غیر دعوا یاد شده است و داور پس از مشورت طرفین، اظهارات همیار را به شرط توضیحات مفید چه در امور موضوعی و چه در امور حکمی و دارا بودن نفع اساسی در داوری می‌پذیرد. در مواد ۳۳ و ۳۴ قواعد ایکسید، در خصوص اختیارات داوری نسبت به مدیریت ادله، نقش فعالی را برای داوران پیش‌بینی کرده است. برخی حسب مواد ۳۳ و ۳۴ قواعد دیوان داوری ایکسید، مخالفت طرفین با ورود همیار دادگاه را در جایی که داور ورود آن‌ها را

<sup>50</sup> Hussain, M. A., Labanieh, M. F., Mahdzir, N., Sulaiman, N., and Bawazir, O. S. A., "The Potential Prospect of Artificial Intelligence (Ai) in Arbitrations From The International". National and Islamic Perspectives. *Journal of International Studies*, 19, 1(2023), 95-122

<sup>51</sup> Ibid

<sup>۵۲</sup> حمید ابهری و مهدی فلاح خاریکی، «مطالعه تطبیقی مفهوم و کارکرد دوست دادگاه در حقوق ایران و کامن‌لا، تحقیقات حقوقی»، ۲۱، ۸۳ (۱۳۹۷)، ۳۰۷-۲۸۶.

ضروری بدانند، موثر نمی‌دانند. اما در مقابل، این ایراد وارد شده است که داوری نهاد مبتنی بر اراده و اختیارات اشخاص است و ورود همیار دادگاه بدون اذن طرفین حل اختلاف جایز نمی‌باشد.<sup>۵۳</sup> هم چنین استدلال می‌گردد که اظهارات همیاران دادگاه به عنوان ذی نفعان غیر مستقیم، صرفاً در حد تئوری است و در واقعیت این نهاد در نفع یکی از طرفین حل اختلاف شریک بوده و در داوری‌های ایکسید که یکی از طرفین آن دولت است، اکثر نهادهای همیاری به نفع دولت اقدام به شرکت در داوری می‌نمایند. در پرونده‌ی شکایت شرکت کانادایی متانکس علیه دولت آمریکا، موسسه ملی پایدار به عنوان دوست دادگاه لویجی را جهت تشریح و تبیین موضوع به دیوان داوری ارائه نمود.<sup>۵۴</sup>

با توجه به توضیحات فوق‌الذکر و برداشت از مواد ۳۳، ۳۴ و ۳۷ قواعد داوری ایکسید، داور جهت کشف حقیقت و صدور رای عادلانه مجاز است از نظرات همیار دادگاه استفاده نماید. حتی به تعبیر برخی که توضیح داده شد، استفاده از نظرات همیار دادگاه در جایی که موثر در کشف حقیقت باشد، علی‌رغم مخالفت طرفین داوری، این اختیار کماکان برای داور محفوظ می‌ماند. در مواد مذکور، ویژگی یا اوصافی برای همیار و دوست داوری پیش‌بینی نگردیده و صرفاً ارائه اطلاعات مفید مورد تأکید واضعین قواعد داوری ایکسید قرار گرفته است. اگر هوش مصنوعی با روش‌های مختص به خود، داده‌های موثر و مفید در کشف حقیقت را ارائه نماید، به کارگیری این فناوری حسب قواعد فوق در ارزیابی ادله، منعی نخواهد داشت. لازم به ذکر است بر داور نظرات همیار هوش مصنوعی تحمیل نخواهد شد و به قید فایده، مورد استفاده داور می‌تواند قرار گیرد.

## ۷\_ مرکز داوری و میانجیگری سیلیکون ولی<sup>۵۵</sup>

مرکز داوری و میانجیگری سیلیکون ولی در سال ۲۰۲۳، دستور العمل استفاده از هوش مصنوعی در داوری را ارائه نمود. هدف از ارائه این دستورالعمل، ارائه چارچوب و اصول در راستای استفاده از هوش مصنوعی در داوری می‌باشد. این راهنما، در داوری داخلی و بین‌المللی برای موسسات داوری، داوران، طرفین حل اختلاف و وکلای آن‌ها، کارشناسان و سایر اشخاص دخیل در امر داوری موثر و مفید می‌باشد.<sup>۵۶</sup>

از اهداف دیگر موسسین این دستورالعمل، ایجاد وحدت رویه در برخی اختلافات بین‌المللی که اعمال قوانین مختلف وجود دارد، می‌باشد. به طور مثال، در داوری از طریق ابزارهای هوش مصنوعی که محل داوری، قانون حاکم و جلسات استماع، تابع قوانین مختلف می‌باشد، اهمیت وضع قوانین و وحدت رویه در اجرای سریع آرای داوری افزایش می‌یابد. با توجه به پتانسیل اعمال قوانین ملی مختلف، به عنوان مثال، داوری مستقر در پاریس تحت نظارت قوانین مکزیک با جلسات استماع در هنگ کنگ، ضروری است با ایجاد وحدت رویه در سطح بین‌الملل، قوانین و مقررات داخلی و خارجی در به کارگیری و به رسمیت شناختن هوش مصنوعی در

<sup>۵۳</sup> حمید رضا نیکبخت و هادی خسرو سرشکی، «نقش همیار دادگاه (ذی نفع غیر مستقیم) در داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی»، تحقیقات حقوقی، ۲۶، ۱۰۲، (۱۴۰۲)، ۱۱-۳۴.

<sup>۵۴</sup> همان: ۲۰-۲۹

<sup>۵۵</sup> Silicon Valley Arbitration and Mediation Center, Guidelines on the Use of Artificial Intelligence in Arbitration, Draft Of 31 August 2023.

<sup>۵۶</sup> Shih, S and Chang, C, R., "The Application of AI in Arbitration: How Far Away Are We From AI Arbitrators?". Contemporary Asia Arbitration Journal, 17, 1(2024), 69-90.

داوری هماهنگ گردند. هدف از این دستورالعمل جایگزینی یا نادیده گرفتن قوانین یا مقررات ملی در به کارگیری هوش مصنوعی در داورى نمی‌باشد. اما در صدد ارائه استاندارد و قواعد تکمیلی بین‌المللی در خصوص استفاده موثر از هوش مصنوعی در داورى است. از جمله رهنمود های این دستورالعمل در خصوص تکالیف داوران یا اداره کنندگان فرآیند داورى مبنی بر آگاه کردن طرفین حل اختلاف از محدودیت، سوگیری و خطرات بالقوه ابزارهای هوش مصنوعی است. برای مثال، ابزارهای هوش مصنوعی مولد، فراتر از داده‌های آموزش دیده، اقدام به تولید محتوا می‌نمایند. در این راستا، اگر چنین ابزارهایی دارای سوگیری یا چالش‌های متعدد اخلاقی و قانونی باشند، لازم است تمامی محدودیت‌ها برای طرفین حل اختلاف، جهت افزایش شفافیت توضیح داده شود.<sup>57</sup>

یکی از چالش‌های به کارگیری هوش مصنوعی، جعبه سیاه می‌باشد. هوش مصنوعی به علت داشتن جعبه سیاه، ممکن است تصمیماتی که درک آن برای طرفین دشوار باشد، اتخاذ نماید. در این راستا، پیشنهاد می‌گردد که تا حد امکان، اداره کنندگان فرآیند داورى از هوش مصنوعی قابل توضیح، استفاده نمایند. هوش مصنوعی قابل توضیح، طرفین حل اختلاف را در درک و فهم عملکرد سیستم‌های هوشمند و نحوه نتیجه‌گیری و استنتاج کمک می‌نماید. به عبارت دیگر علت تصمیم یا نتیجه این ابزار برای طرفین مشخص می‌گردد. برای مثال در ماده ۴۸۲ قانون آیین دادرسی مدنی و بند ۲ ماده ۳۰ قانون داورى تجاری بین‌المللی ایران مدلل بودن آراء مورد تأکید مقنن بوده و عدم شفافیت پردازش هوش مصنوعی می‌تواند به عنوان چالش حقوقی مطرح گردد.

بر اساس مقررات این دستورالعمل، به کارگیری یا هرگونه استفاده از مدل‌های هوش مصنوعی که یکپارچگی، نظم، محرمانگی داده‌های اشخاص و اعتبار سنجی ادله داورى را به چالش می‌کشاند، ممنوع می‌باشد. در حالی که هوش مصنوعی می‌تواند کارایی رسیدگی‌های داورى را افزایش دهد، سوء استفاده احتمالی از آن ممکن است فرآیند رسیدگی عادلانه داورى را مختل کند. اداره و مدیریت صحیح فرآیند داورى و تشخیص مدارک و مستندات جعلی از وظایف داور می‌باشد. هرگونه اقدامات مخل فرآیند رسیدگی عادلانه می‌تواند با استفاده از هوش مصنوعی یا بدون استفاده از آن محقق گردد. هم چنین پیشرفت‌های اخیر در حوزه هوش مصنوعی، میزان جعل و دستکاری در اسناد را افزایش داده است، به طوری که برخی اوقات داوران انسانی را در تشخیص ادله تقلبی با مشکلاتی مواجه می‌سازند.<sup>58</sup>

مقررات مذکور علی‌رغم اینکه با هشدارهای فوق، اشخاص را نسبت به مخاطرات بالقوه این سیستم‌ها آگاه می‌سازند، از طرف دیگر بر اهمیت و کارایی هوش مصنوعی در تحقق فرآیند داورى موثر و عادلانه تأکید می‌نمایند. با این حال، پیشرفت هوش مصنوعی خطرات شواهد ارائه شده به صورت دستکاری یا نادرست در فرآیند قضایی و داورى را می‌کاهد و قضات و داوران را قادر می‌سازد در مواردی که تشخیص تقلب از حقیقت دشوار است، با اطمینان بیشتری در خصوص وثوق و اعتبار اسناد تصمیم‌گیری نمایند.

در نهایت چنانچه داور نقض و تخلف از اصول حاکم بر دستورالعمل فوق را توسط طرفین حل اختلاف احراز نماید، به طور مثال اگر مشخص گردد خواهان با استفاده از هوش مصنوعی اسناد جعلی را ارائه داده است، داور می‌تواند علاوه بر نادیده گرفتن و حذف آن از عداد دلایل، شخص خاطی را به پرداخت هزینه داورى و جبران خسارت محکوم نماید. دستورالعمل فوق‌الذکر با تأکید بر کارایی هوش

<sup>57</sup> Artikova, I., "Ethical Foundations and Challenges In International Arbitration And Mediation: Navigating AI and Cross-Cultural Dynamics, *Fan, Ta'lim*". *Madaniyat Va Innovatsiya Jurnall/ Journal of Science, Education, Culture and Innovation*, 3, 5(2024), 30-33.

<sup>58</sup> Shih and Chang, op.cit, 79.

مصنوعی، می‌تواند مبنایی برای گزینش قواعد آن در داوری و ارزیابی ادله قرار گیرد. اشخاصی که خواهان به کارگیری هوش مصنوعی در اعتبارسنجی ادله باشند، می‌توانند در موافقت نامه خود شروط پیش بینی شده در دستور العمل مذکور را پیاده سازی نمایند. در خلا قوانین و مقررات حاکم بر هوش مصنوعی در داوری، اقدام سیلیکون ولی در به رسمیت شناختن هوش مصنوعی میتواند نقطه عطفی برای استفاده از این فناوری باشد. اما نکته مهم این است که صرف اتکا به یافته‌های هوش مصنوعی در ارزیابی ادله و شناختن آن به عنوان داور مقبول نمی‌باشد. چرا که لزوم نظارت داوران انسانی بر یافته‌های هوش مصنوعی از موکدات نویسندگان این دستورالعمل است.

## نتیجه گیری

فرجام سخن به این شرح است که علی‌رغم سکوت قواعد و مقررات در به کارگیری هوش مصنوعی در ارزیابی ادله چه به عنوان داور یا ابزار تسهیل‌گر، جواز آن به شرح ذیل قابل استنباط است.

اولاً، بر اساس بند ۲ ماده ۷ قانون نمونه آنسیترال، بخش دوم قانون داوری آمریکا، بخش ۱۹-۱ قواعد داوری بین المللی لندن، ماده ۱، ۴ و ۵ کنوانسیون نیویورک، ماهیت و اساس موافقت نامه داوری عقد و قرارداد است و آزادی طرفین در قراردادها، اصلی مسلم و مقبول در داوری است. لذا طرفین حل اختلاف می‌توانند در ضمن عقد شرط نمایند که هوش مصنوعی به عنوان ابزار تسهیل کننده، ادله را ارزیابی نماید. حسب قواعد مذکور، اصل حاکمیت اراده و احترام به موافقت نامه‌های داوری، ایجاب می‌نماید که موافقت نامه‌های داوری قابل اجرا باشند و عدم اجرای آن استثناً تلقی گردد. تا جایی که برخی از حقوق دانان نظام‌های حقوقی فوق به صورت افراطی بر این باورند که حتی اگر احترام به اراده طرفین، قواعد آمرانه را نقض نماید، هم‌چنان از اعتبار و قوت بالایی برخوردار است.

ثانیاً، در فرضی که طرفین حل اختلاف در خصوص به کارگیری هوش مصنوعی در فرآیند ارزیابی ادله سکوت نمایند، ماده ۱۹، ۲۶ و ۲۸ قانون نمونه آنسیترال، ماده ۲۲ قواعد داوری دیوان بین المللی لندن، قانون داوری انگلیس مصوب ۱۹۹۶، ماده ۹ کانون وکلای بین المللی و مواد ۳۳ و ۳۴ قواعد داوری ایکسید، اختیارات گسترده‌ای برای داور در تشخیص و ارزیابی ادله قائل شده‌اند. هم‌چنین در فرض غیاب توافق طرفین در تعیین قانون یا قواعد حاکم، داور الزامی مبنی بر مراجعه به قوانین ملی نداشته و می‌تواند قواعدی را برگزیند که مناسب و نزدیک به اراده طرفین باشد.

ثالثاً، مستفاد از مواد ۳۳، ۳۴ و ۳۷ قواعد داوری ایکسید، داور جهت کشف حقیقت و صدور رای عادلانه مجاز است از نظرات همیار دادگاه استفاده نماید. حتی به تعبیر برخی که توضیح داده شد، استفاده از نظرات همیار دادگاه در جایی که موثر در کشف حقیقت باشد، علی‌رغم مخالفت طرفین داوری، این اختیار کماکان برای داور محفوظ می‌ماند. در مواد مذکور، ویژگی یا اوصافی برای همیار و دوست داوری پیش بینی نگردیده و صرفاً ارائه اطلاعات مفید مورد تاکید واضعین قواعد داوری ایکسید قرار گرفته است. اگر هوش مصنوعی با روش‌های پیشرفته، داده‌های موثر و مفید در کشف حقیقت را ارائه نماید، حسب قواعد فوق، به کارگیری این فناوری در قالب دوست و همیار در صحت سنجی ادله، منعی نخواهد داشت.

## منابع

### الف\_ فارسی

- ابهری، حمید و مهدی فلاح خاریکی. « مطالعه تطبیقی مفهوم و کارکرد دوست دادگاه در حقوق ایران و کامن لا. تحقیقات حقوقی»، ۲۱، ۸۳ (۱۳۹۷)، ۳۰۷-۲۸۶.
- جنیدی، لعیا، مرتضی شهبازی نیا و سارا زمانی، «استاندارد سازی منعطف اداره دلایل در داوری تجاری بین المللی»، پژوهش های حقوق تطبیقی، ۲۲، ۳۱-۵۶، (۱۳۹۷)۲.
- صادقی، محسن و مهدی ناصر. «خطرات حقوقی امضای الکترونیکی و الزامات قانونی پیشگیری از آن ها ( مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و آمریکا)»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ۲۴، ۹۶ (۱۳۹۹)، ۱۸۹-۲۲۴.
- عطاردیان، نوشین. «مطالعه تطبیقی ارزیابی دلیل در حقوق ایران و انگلیس»، مجله بین المللی پژوهش ملل، ۴، ۴۳ (۱۳۹۸)، ۷۳-۸۶.
- مافی، همایون. شرحی بر قانون داوری تجاری بین المللی ایران. ویرایش دوم. تهران: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۳۹۷.
- میرشاه پناه، زهرا، همایون مافی و عباسعلی دارویی. «مطالعه تطبیقی تحصیل دلیل از سوی داور در نظام های حقوقی ایران و آمریکا و قواعد کانون وکلای بین المللی»، مطالعات حقوق تطبیقی، ۱۴، ۱ (۱۴۰۲)، ۵۳۹-۵۶۲.
- نیکبخت، حمید رضا و هادی خسرو سرشکی. « نقش همیار دادگاه (ذی نفع غیر مستقیم) در داوری سرمایه گذاری بین المللی»، تحقیقات حقوقی، ۲۶، ۱۰۲ (۱۴۰۲)، ۳۴-۱۱.
- واحدی، سیمین و شهاب دلوندی. « قواعد، ابراز و پذیرش ادله و تفحص و افشا در داوری قراردادهای تجاری بین المللی»، حقوق فناوری های نوین، ۱، ۲ (۱۳۹۹)، ۲۵۷-۲۸۴.

### ب\_ انگلیسی

- Artikova, I ,” Ethical Foundations and Challenges In International Arbitration And Mediation: Navigating AI and Cross-Cultural Dynamics, *Fan, Ta'lim*”. *Madaniat Va Innovatsiya Jurnall| Journal of Science, Education, Culture and Innovation*, 3, 5(2024), 30-33.
- Ferreira, D. B and Gromova, E. A,” Electronic evidence in arbitration proceedings: empirical analysis and recommendations”. *Digital Evidence and Electronic Signature Law Review*, 20(2023), 30-39.
- Horton, D ,” Forced Robot Arbitration”. *Cornell Law Review*, 109, 3(2023), 1-51.
- Hussain, M. A, Labanieh, M. F., Mahdzir, N., Sulaiman, N, and Bawazir, O. S. A, “ The Potential Prospect of Artificial Intelligence (Ai) in Arbitrations From The International”. National and Islamic Perspectives. *Journal of International Studies*, 19, 1(2023), 95-122
- Kasap, G,H,” Can Artificial Intelligence Replace Human Arbitrators? Technological Concerns and Legal Implications”. *Journal of Dispute Resolution*, (2021), 209-254.
- Loannidis, D,” Will Artificial Intelligence Replace Arbitrators Under the Federal Arbitration Act?”. *Richmond Journal of law and Technology*, 2021, 3(2022), 505-595.
- Onyefelu, O, A,” Artificial Intelligence in International Arbitration: A Step Too Far? *Arbitration*”, *The International Journal of Arbitration. Mediation and Dispute Management*, 89, 1(2023), 56-77.

Sela, A, "Can Computer Be Fair? How Automated and Human- Powered Online Dispute Resolution Affect Procedural Justice in Mediation and Arbitration". Ohio State Journal ofn Dispute Resolution, 33, 1(2018), 91-148.

Shih,S and Chang, C, R," The Application of AI in Arbitration:How Far Away Are We From AI Arbitrators?". Contemporary Asia Arbitration Journal, 17, 1(2024), 69-90.

Socorro, A . "Are we ready for Artificial Intelligence to decide International Commercial Arbitration cases?". Master Thesis., TILBURG University,2020.

Welsh, N, A , "Enforcement of Foreign Arbitration Agreement and Awards: Application of the New York Convention in the United States". The American Journal of Comparative Law, 62, 4(2014), 69-95.

Yavuz, C. "Machine Bias: Artificial Intelligence and Discrimination".Master Thesis., Lund University,2019.